

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر گرامی یاد "کبیر توخی"
ویراستاری و ارسال: احمد پوپل (۱)
۲۸ اگست ۲۰۲۳

به مناسبت پنجمین سالگرد مرگ گرامی یاد "کبیر توخی"

بر کتیبه ای سپر [*]

ای لهیده* در زیر تگرگ* طعن

که با ریشمه ای ریشخند

بر دار یاد واره فصلِ سپاس و التماس از دشمن، آونگی*

ببین که، در لشاب* سرد و نامواج مصراع هایت

چه آهنگ های مُجَوَف* و منقوش

بسان ارتسام*، در جدول جادوگران شهر "جله" (۲) نقش بسته

وتو، بیهوده در فراخنای کذب

واژگان لیوه* ات را

بر صحایف "موجودات سیال" و دوره گرد

چون نشست کودکان مهجور دهات حقارت

برگردونه ای "اسپکان چوبین"

بر مدار آوازه کشیده ای

همگان دانند که تو

از دست آن هول انگیز

که "دیوی ننگ" خوانندش

و خفته در نامت

از انکسار و نفرت و خشم

در عمق لاوک* حس فطری خویش،

آماس کرده ای

شرنگ* هیوط* در برهوت *

و انحطاط مفتضح، در ته
باد، تا رستخیز در کامت
شاعر پیاله به دستِ میکرده های ویران!
که از پشتواره یاد های زخمی ات
که یکتا عطف متعالی بود
بر دو کتف صلیب هویت مردمی ات
در رنجی
چرا در سلولستان سنگی*
که مهاجمان موطلا، گشودندش در
کشیدی قامت بلند نیزه را
به لام تعظیم
و نبشتی بر کتیبه سپر
صد مصراع تسلیم
از برای رها!
به یاد آر!
به یاد آر، آن عبور تند لحظه های نبرد را
که آهنین بال های مرگبار دشمن
مشبک* می نمودند حتی
تصویر طفلان را
در قاب پنجره ها
با چنگال و منقار آتشبارشان*
و تو،
رهیده* از زندان شان
چه بی تفاوت،
چه بی محابا،
در تکاپوی رهی بودی به سوی تنگبار* مهاجم
که رسیدی ؛ اما به رسوائی
و اکنون
چون سایه های مرموز
ره می پویی
به سمتِ " کوچه های باور مردم " (۳)
هان!
نه راه است، نه روزن
گراست، پاسبانانش، " شعله " افروز اند

سرسام. لاوه گر*،
برگرد به بیابان!
عقرب زرد عقده چرکین
بیرون کن از لانه آستین
بنه به فلاخن تسکین؛
مگر، بر اوجها باز نخواهی گشت
ای فرود آمده بر عفن دشت*
ننگت باد!

"بر کتیبه ای سپر" (در ماه حمل ۱۳۷۷-۱۹۹۸) سروده شد *

۱- این پارچه شعر کوبنده را گرامی یاد"رفیق توحی" در تقبیح عملکرد خاینانه و اصف باختریسروده است:
وی سر دسته افغانستانی ها خراسانی ها و خدای ادبیات پرچمی ها رئیس اتحادیه نویسندگان حزب بدنام دموکراتیک
خلق قاتل وطنپرستان که خون هزاران نفر را در پلیگون ها جاری کردند.
مرگ و اصف، که به تازگی سر در نقاب خاک کشیده است، تنها پرچمی ها را غمگین نساخت بلکه صد ها شعله نی
بریده از مردم را مانند وطنفروشان خلقی پرچمی و اخوانی های خراسانی افغانستانی سوگوار ساخته است.
۲- جله، شهری بود در عراق میان کوفه و بغداد، در ساحل رود «فرات» (فرهنگ محمد معین)؛

۳- شعر "پیشواز" از م. آزر م

معنی بعضی از لغت ها ی این سروده

لهیده: له شده کوبیده شده

تگرگ: ژاله

اونگ: هر چیز آویخته؛ آویزان

لشاب: جایی که آب ایستاده و در آن علف و نی روید. آب باطلاقی، باطلاق، لجن زار.

آب کثیف و آلوده چون آب پارگین و کشتارگاه و جز آن

مُجَوَف: [مُجَوَفٌ] (ع ص) کاواک و میان تهی

چیزی که جوف کرده شده و از اندرون خالی باشد. تهی، میانه کاواک، میان تهی، پوک

آنچه میان آن تهی باشد، پوک، توخالی، میانتهی

ارتسام: نقش کردن؛ رسم کردن

لیوه: فریبنده، چاپلوس، احمق و نادان، هرزه گو، هرزه گرد

لاوک: ظرف بزرگی که در آن خمیر کنند؛ تغار

شرنگ: زهر سم شوکران حنظل هلاهل

هبوط: فرود آمدن، سقوط نزول

بیابان صحرا کویر بر هوت: هرجای گرم و بی آب و علف

شاعر پیاله به دست میکده های ویران: منظور شاعر دایم الخمر و اصف با ختری است

سلوستان سنگی: اشاره به زندان پلچرخ

که مهاجمان موطلا، گشودندش در - اشاره به عساکر اشغالگر روس که درب زندان را بروی تسلیمی های مرتد گشود و رادمردان مقاوم شعله ئی را به جوخه های آتش سپردند.

مثبک - سوراخ سوراخ

با چنگال و منقار آتشبارشان : منظور اسلحه آتش زا و طیارات روسهاست

رهیده : رهاشده؛ آزادشده؛ خلاص شده نجات یافته

تنگبار :صعب العبور، کسی که هیچ کس را نزد خود نپذیرد.

لاوه گر : متملق ، چاپلوس ، تضرع کننده، لابه گر

عفن :بدبو، گندیده، متعفن